

نوروز و سنت‌های آن

از منظر فقهی

سیداحمد حسینی خراسانی*

چکیده: به مقتضای اصل عدم نقل و استصحاب قهقراپی که اعتبار آن مورد تسالم است، روز نوروز اول فروردین ماه انتقال خورشید از برج حوت به برج حمل و نقطه اعتدال ربیعی است.

با بررسی در متون دینی روشن می‌شود نوروز و آیین‌های ویژه آن مانند هدیه‌های نوروزی و احکام شرعی آن مانند غسل، نماز و روزه مستحبی بدون هیچ‌گونه مخالفتی تلقی به قبول شده است. مقتضای روایات، سیره معصومان(ع)، سیره مسلمین، آرای فقها و نیز مذاق اسلام در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها و سنت‌ها آن است که برگزاری عید ملی و بومی نوروز بدون انتساب به اسلام بی‌اشکال است و نامشروع دانستن آن فاقد دلیل معتبر شرعی و مخالف با موازین فقهی و اجتهادی است.

کلیدواژه: نوروز، استصحاب قهقراپی، سنت‌های نیکو.

عیدها و آیین‌های جشن و شادی و تعیین و گزینش آغاز سال و مشخص کردن یک مبدأ تاریخی همراه با مراسم و آداب ویژه، پدیده‌ای است که با اختلاف عقاید و آیین‌ها و به اقتضای فرهنگ و نیازها همواره در میان همه ملت‌ها معمول و رایج بوده است و به ملت و مکتب و سرزمینی اختصاص ندارد. اعیاد گاهی دینی و مذهبی، گاه ملی و گاهی نیز مقطعی و مخصوص به خاندان یا تبار و رژیمی است و هریک تعریف و آیین و آثار مخصوص دارند، مانند عید فطر، قربان، جمعه، مبعث و غدیر در اسلام و به ویژه در مذهب اهل بیت (ع) و عید فصح و فطیر و کریسمس و مانند آن در میان اهل کتاب،^۱ چنان‌که تعیین اول سال همراه با آیین‌های ویژه و نیز با اختلافاتی در شکل و زمان در میان ملت‌ها مرسوم و معمول و به اعتباراتی گونه‌گون بوده است؛ اول سال عبادی، اول سال تقویمی هجری قمری، هجری شمسی، میلادی و...، اول سال زراعی، اول سال آبی، اول سال تحصیلی و اول سال طبیعی.

جناب سیدرضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس متوفای ۶۶۸ قمری در کتاب باارزش اقبال الأعمال درباره تعیین اول سال از نظر اسلام مباحث و مطالب جالب توجهی مطرح کرده و از آن جهت که در روشن شدن بعضی از زوایای بحث ما تأثیرگذار است و می‌تواند سودمند باشد، چکیده آن مطالب را یاد می‌کنیم.

وی با استناد به روایاتی از حضرت صادق (ع) اول سال را آغاز ماه مبارک رمضان دانسته است؛ از آن رو امام صادق می‌فرماید:

«رَأْسُ السَّنَةِ شَهْرُ رَمَضَانَ»^۲ و «شَهْرُ رَمَضَانَ رَأْسُ السَّنَةِ»^۳

۱. رسائل اخوان الصفا، ص ۴، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم؛ الشیعة فی المیزان، ص ۴۱۳. محمد جواد مغنیه دارالعارف للمطبوعات بیروت لبنان.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۳۳۳، ح ۱۱۴.

۳. اقبال الأعمال، ص ۴.

در روایت دیگری از حضرت صادق (ع) از پدران معصومش (علیهم السلام) از حضرت علی (ع) نقل می کند:

من اغتسل اول يوم من السنة في ماء جارٍ وصَبَّ علي رأسه
ثلثيني عُرفة كان دوا السنة وان اول كل سنة اول يوم من شهر
رمضان . ۴

آن گاه سید بن طاووس پس از بیان روایاتی که اول سال را اول محرم دانسته اند، در مقام جمع میان روایات نظر می دهند که اول ماه مبارک رمضان آغاز سال عبادی و اول ماه محرم الحرام مبدأ و آغاز سال تقویمی و تاریخی اسلام است که به راهنمایی امیر مؤمنان علی (ع) مبدأ تاریخ مسلمانان هجرت رسول خدا تعیین شده است . ۵

به هر حال، تعیین مبدأ تاریخی و یا آغاز سال امری اعتباری است که هر ملت و مکتبی به اقتضای شرایط خاص آن را برمیگزینند.

بنابراین، با بیان و تفصیل جناب ابن طاووس آغاز سال عبادی برابر با روایات امام صادق (ع) اول ماه رمضان است. و آغاز سال تقویمی با عنوان مبدأ تاریخی اول ماه محرم است که با راهنمایی حضرت علی (ع) تعیین و تثبیت شده و برای هر یک احکام و آداب و رسومی چون غسل و دعا و مانند آن ذکر فرموده اند. اما آغاز سال طبیعی که به طور معین نخستین روز فروردین ماه و هنگام انتقال خورشید از برج حوت به برج حمل است و آن را نوروز می نامند، بیان از تحوّل و پدیده ای طبیعی است که نقطه اعتدال ربیعی و آغاز بهار و فصل رویش و جنبش و جان یافتن دوباره طبیعت پس از مرگی طبیعی است، این هنگامه همواره از دیرباز در ایران باستان با عنوان عید نوروز همراه با برگزاری جشن و آیین های ویژه نوروزی بوده است.

نوروز و آیین های ویژه آن پیشینه ای بلند در تاریخ دارد که در طول قرن ها

۴. همان، ص ۸۶.

۵. همان، ص ۴، ۸۶، ۵۴۱، ۵۵۴.

از عهد آریاییان، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان تا به امروز با همه فرود و فرازهایش از حیات و اعتباری خاص برخوردار بوده است. جشن‌های نوروزی به دلیل هم‌زمانی با شروع فصل پرطراوت بهار و هم‌سویی با لطافت و نشاط و جنبش و رویش طبیعت، با حفظ حیات چند هزار ساله خود علی‌رغم وجود بعضی شک و شبهه‌ها و مخالفت‌ورزی بعضی اهل سنت و نیز برخی علمای شیعه در دوره‌های اخیر به بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اسلامی در شرق و غرب، مصر، بعضی نواحی عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه راه پیدا کرده و همواره علمای اسلام و دولت‌ها و حکومت‌های به اصطلاح اسلامی مانند اموی‌ها، عباسی‌ها تا به صفویه و قاجار و واکنش‌های متفاوتی درباره آن نشان داده‌اند.

الف) تعیین روز نوروز

گذشته از مراسم جشن و شادمانی به عنوان عید نوروز و نیز انجام سلسله کارهایی مانند پوشیدن لباس تازه، خانه‌تکانی، نظافت، صلۀ ارحام، دید و بازدید، تعطیلی بازار و مدرسه‌ها، دادن عیدی و پاداش، عفو و بخشودگی گروه‌هایی از زندانیان و مانند آن، سلسله اعمالی عبادی و دینی در میان آیین‌های نوروزی، مانند غسل، نماز و روزه و حتی خواندن دعای ویژه و نیز در مواردی برخی مواعده و قرارگزاری‌ها در معاملات و داد و ستدها ذکر شده است که می‌تواند روز نوروز را محاسبه کرد و شناخت.

در محاسبه روز نوروز از زمان تاج‌گذاری آخرین شاه ساسانی سال ۶۳۲ میلادی تا سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ تاریخ جلالی و تا به سال ۱۳۰۴ شمسی برابر با ۱۳۴۳ قمری مطابق با ۱۹۲۵ میلادی که در مجلس شورای ملی آن روز تقویم شمسی به عنوان تقویم رسمی کشور ایران پذیرفته شد، مطالبی گفته و نوشته شده و تقریباً پذیرفته شده که از سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ تاریخ جلالی روز نوروز در همین نخستین روز فروردین ماه نقطه اعتدال ربیعی استقرار یافته و پس از آن

تغییری نیافته است. ۶.

اگر کسی در تعیین روز نوروز شک و تردید دارد و در نتیجه برای انجام اعمال آن تردید می‌کند، راه حلی اصولی و قاعده‌ای اجتهادی وجود دارد که برای او تکلیف مسأله را روشن می‌کند؛ استصحاب قهقرایی.

بدون تردید در عصر حاضر و در سده‌های اخیر نوروز علم و حقیقت شده است برای روز اول فروردین و لحظه انتقال خورشید از برج حوت به برج حمل. حال اگر دلایل کافی و قابل اعتماد که اثبات کند نوروز از اول برای این روز خاص حقیقت بوده، در دست نباشد و یا کسی در آن ادله اشکال کند و در نتیجه شک کند که آیا از آغاز نوروز به همین روز گفته می‌شده و یا آنکه نوروز اسم روز دیگری از روزهای سال بوده و در زمان‌های متأخر به این روز نقل داده شده، به کمک قاعده «اصالة عدم نقل» که از زمان وحید بهبهانی و شاگردش صاحب ریاض به عنوان استصحاب قهقرایی شهرت پیدا کرده و حجیت و اعتبار آن در اصول پذیرفته شده، اثبات می‌کنیم که از آغاز تا به امروز نوروز حقیقت در نخستین روز فروردین ماه بوده است.

بر اساس همین قاعده اصولی و عقلایی است که نوروز در فقه اول ماه فروردین شناخته شده است. ۷.

بنابراین، در فرض اثبات استحباب غسل و نماز و روزه در نوروز به استناد اخبار، یا قاعده تسامح در ادله سنن و یا از باب رجاء مطلوبیت، چنان که خواهد آمد، زمان انجام آنها همین نخستین روز فروردین ماه است که با عنوان نوروز شناخته می‌شود.

۶. رجوع شود به لغت نامه دهخدا، ج ۴۵، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۴۳۳، مقالات تقی زاده گاه شماری در ایران، ج ۱۰، ص ۳-۶، مجله یادگار سال چهارم، شماره ۷ و ...

۷. جهت اطلاع از حقیقت استصحاب قهقرایی به کتاب‌های اصولی از جمله اوثق الوسائل شیخ موسی تبریزی ص ۳۶۴-۴۳۸ که حاشیه بر رسائل شیخ انصاری است مراجعه شود. و کلمات فقها در استفتائات و نیز بحث بیع نسیه و سلف دیده شود.

ب) نوروز در متون و منابع دینی

نوروز که مرکب از دو کلمه و به معنای روز تازه است، در متون و منابع دینی اعم از حدیث، فقه و تاریخ با دو عبارت یاد شده است: «النوروز» و «النوروز». به طور عمده نیروز یا نوروز در دو باب از فقه به پیروی از روایات مطرح شده است: نخست در باب مسأله غسل و نماز و روزه‌های مستحبی و دیگر در باب معاملات در مسأله بیع نسبه، بیع سلف و نیز مسأله هدیه. باتوجه به آنکه روایات مربوط به هدیه‌های نوروزی و نیز عبارات فقها در باب نوروز در بحث معاملات از قدمت و اعتبار بیشتری برخوردارند، نخست روایات و عبارات این باب را ذکر می‌کنیم:

۱. مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۹ قمری) در کهن‌ترین متن حدیثی از کتب اربعه یعنی کافی از حسن بن محبوب که از اصحاب اجماع شمرده شده از ابراهیم کرخی که از نظر رجالی ناشناخته است، نقل کرده است.

قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن الرجل يكون له الضيعة الكبيرة فاذا كان يوم المهرجان أو النيروز أهدوا إليه الشيء ليس هو عليهم يتقربون بذلك إليه؟
فقال: أليس هم مُصلين؟
قلت: بلى!

قال: فليقبل هديتهم وليكافهم! ^۸

ابراهیم کرخی گفت: از امام صادق (ع) درباره شخصی پرسید که مزروع بزرگی دارد و روز مهرگان یا نوروز که فرامی‌رسد کارگران و کشاورزان (به رسم نوروز) برای او هدیه می‌برند؛ آیا بپذیرد؟

۸. فروع کافی، ج ۵، ص ۱۴۱؛ مرآت العقول، ص ۱۹، ص ۱۱۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰؛ روضة المتقین، ج ۷، ص ۳۵۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۳۵، رقم ۲۲۹ با تحقیق علی اکبر غفاری؛ ملاذ الاخیار، ج ۱۰، ص ۳۹۶، وافی، ج ۱۷، ص ۳۶۶.

امام فرمود: آیا هدیه دهندگان اهل نماز و مسلمانند؟

گفت: آری!

امام فرمود: هدیه آنها را بپذیرید و در مقابل جبران و تدارک کند. گذشته از سند روایت که ابراهیم کرخی مجهول و ناشناخته است، نه آنکه ضعیف باشد و گذشته از آنکه مشایخ سه گانه آن را در کافی، فقیه و تهذیب نقل کرده اند و والد مجلسی در شرح فقیه آن را صحیح شمرده، روایت دلالت دارد که در آن روزگار در میان مسلمانان رسم هدیه های نوروزی برقرار بوده و امام هیچ گونه اشکالی بر آن نکرده و بلکه به نوعی آن را تأیید فرموده است.

۲. اتی علی (ع) بهذیة النیروز فقال: ما هذا؟ قالوا: یا امیر المؤمنین الیوم النیروز. فقال: إصنعوا لنا کل یوم نیروزاً؟^۹ هدیه نوروزی برای امیرمؤمنان (ع) آوردند. امام پرسید: این چیست؟ گفتند: امروز نوروز است. (هدیه نوروزی است) امام فرمود: هر روز را برای ما نوروز کنید.

۳. وروی انه علیه السلام قال: نوروزنا کل یوم.^{۱۰}

بنابر این روایات، در زمان خلافت امیرمؤمنان (ع) به مقتضای رسوم گذشته که به بزرگان هدیه نوروزی می داده اند، برای امام هدیه نوروزی آوردند و امام نیز نه اصل نوروز را و نه آیین های آن مانند هدیه دادن را منع نفرموده است.

۴. انه اهدی الیه فالوذج، فقال: ما هذا؟

قالوا: یوم نیروز!

قال: قیروا این قدرتم کل یوم؛^{۱۱}

۹. الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۳.

۱۰. الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۳؛ الوافی، ج ۱۷، ص ۳۷۲، ح ۱۷۴۵۴ و در وسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۴ باب استحباب الهدیه، ج ۱۴-۱۵ نقل کرده است.

۱۱. دعائم الاسلام قاضی نعمان مغربی متوفی ۳۶۳ هجری قمری و ۹۷۴ میلادی، ج ۲، ص ۳۲۶ و مستدرک وسائل، ج ۱۳ باب الهدیه.

برای امام علی (ع) فالزوج (حلوای نوروزی سمنو) هدیه آوردند.

امام فرمود: این چیست؟ گفتند: روز نوروز است. فرمود: اگر می توانید هر روز را نوروز کنید.

باتوجه به آنکه مقداری از مراسیل شیخ صدوق در فقیه و خصال و دیگر کتاب هایش که از پیامبر (ص) یا امیرمؤمنان (ع) نقل کرده، بنابر تتبع به عمل آمده از کتاب های عامه سرچشمه می گیرند، به احتمال قوی این دو مرسل شیخ صدوق در فقیه همانند مرسل دعائم الاسلام قاضی نعمان همان است که در کتاب های اهل سنت با قدری اختلاف و همراه با توضیح بیشتر ذکر شده است. برای نمونه مواردی از آن شمار می شود:

بخاری متوفای ۲۵۶ قمری صاحب صحیح معروف بخاری در کتاب التاريخ الكبير در دو مورد جریان نوروز را ذکر کرده است: نخست آنکه از ایوب بن دینار از پدرش نقل می کند:

ان علیاً كان لا يقبل هدية النيروز؛^{۱۲}

همانا علی (ع) هدیه نوروزی را نمی پذیرفت.

مورد دیگر از حماد بن سلمه از علی بن زید از السعر التمیمی روایت کرده است.

اتی علی بفالزوج قال: ما هذا؟ قالوا: اليوم النيروز!

قال: فنیروزا کل یوم.

روایت دوم تاریخ بخاری همان روایتی است که از فقیه و دعائم به طور مرسل نقل شد. روایتی را ابن ندیم متوفای ۳۸۵ قمری در فهرست و زمخشری متوفای ۴۶۷ قمری در ربیع الابرار (۱: ۵۶) بیهقی در سنن (۹: ۲۳۴) خطیب در تاریخ بغداد (۱۳: ۳۲۶) ابن حزم در المحلی (۸: ۱۹۵) هندی در کنز العمال (۱۴: ۱۷۹)،

۱۲. التاريخ الكبير للبخاری، ج ۱، ص ۴۱۴.

ابن خلکان در وفیات الاعیان (۵: ۴۰۵) و بلاذری در انساب الاشراف (۳: ۳۷) به مناسبت بیان ییوگرافی نعمان بن ثابت مرزبان پدر و یا جد پدری ابوحنیفه رئیس مذهب حنفی ها و پیشوای معروف فقهی اهل عراق که پدر یا جدش ایرانی تبار و اهل فارس و یا اهل کابل بوده، روایتی را نقل کرده اند که وی به رسم آیین نوروزی فالودج برای امام علی (ع) هدیه آورد و در این جریان بود که امام فرمود: «نوروزنا کل یوم.» و بنابر روایتی درباره روز مهرگان فرمود: «مهرجونا کل یوم.»

با دادن هدیه هر روز ما را نوروز و یا مهرگان کنید.

واژه فالودج که عربی همان فالوده است، به معنای حلوای نوروزی و سمنو است که سوغاتی ایرانیان و شیرینی نوروزی بوده است. در روایاتی به چگونگی فراهم آوردن و پخت آن اشاره شده که مرکب از مغز گندم، روغن و عسل و شکر و یا هر ماده شیرین دیگری است که داخل دیگ جوشیده و پخته می شود.^{۱۳}

۵. ان المحجوس اهدوا الیه (علی (ع)) یوم النیروز جامات من فضة فیها سکر فقسّم السکر بین اصحابه وحسبها من جزیتهم وبعث الیه (علی (ع)) دهقان بثوب منسوج بالذهب فابتاعه منه عمرو بن حرث بأربعة آلاف درهم الی العطاء؛^{۱۴}

محجوسی ها (ایرانیان قبل از مسلمان شدن) در روز نوروز جام های سیمین و نقره ای پر از شکر و شیرینی برای حضرت امیر (ع) هدیه آوردند. امام هدایای آنان را پذیرفت و آن را میان مسلمانان تقسیم کرد و در مقابل جزیه و خراج آنان را بخشید.

۱۳. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۸۷، ح ۱۰ و ۱۲ و نیز رجوع شود به مجمع البحرین ماده فالودج.

۱۴. البحار، ج ۴۱، ص ۱۱۸ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۳۱۵.



دهقانی (بزرگ قبيله) پارچه‌ای زرباف برای آن حضرت هدیه کرد. امام آن را به عمرو بن حریق به چهار هزار درهم فروختند.

روشن است که آن را برای مستمندان و یا دیگر مصارف جامعه اسلامی به مصرف رسانیدند.

۶. روایات دیگری از ابن عباس با همین مضمون نقل شده است که جهت رعایت اختصار از نقل آنها درمی‌گذریم.^{۱۵}

بنابراین در هدیه‌های نوروزی که میان ایرانیان معمول و مرسوم بوده، چه آن‌گاه که به یک دیگر هدیه می‌داده‌اند و یا کشاورزان به ارباب‌ها و مالکان بزرگ پیش کش می‌کرده‌اند و یا حتی در مواردی که برای رسول خدا(ص)^{۱۶} و امام علی(ع) هدیه نوروزی می‌داده‌اند، هیچ‌گونه مخالفت و منعی و یا اصلاحی نقل نشده است، بلکه با پذیرفتن هدایای نوروزی و تدارک عوض آن با بخشش جزیه و خراج و یا دادن هدیه متقابل به نوعی آن را تأیید می‌کرده‌اند.^{۱۷}

گفتنی است که افزون بر روایاتی که درباره پدیده نوروز در کتب اربعه شیعه و دیگر کتاب‌ها و نیز در کتاب‌های حدیثی و تاریخی اهل سنت ذکر شده، کتاب‌های مستقلی درباره اخبار مربوط به نوروز نوشته شده که همانند بسیاری دیگر از کتاب‌ها مفقود و در دست نیست.

نجاشی در شرح حال نصر بن عامر سنجاری که وی را از ثقات اصحاب ما دانسته، در میان کتاب‌های او، کتاب «ما روی فی یوم النوروز» را نقل می‌کند.^{۱۸}

۱۵. مراجعه شود به الآثار الباقية ابوریحان بیرونی، ص ۳۲۵-۳۲۷ ترجمه علی اکبر داناسرشت، ربیع الابرار زمخشری، ج ۱، ص ۸۵، انتشارات رضی قم.

۱۶. الآثار الباقية ابوریحان بیرونی، ترجمه علی اکبر داناسرشت، ص ۳۲۴ و بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۸۷، ج ۱.

۱۷. رجوع شود به هر روایتی که در صفحات گذشته نقل کردیم همراه با کلمات بزرگانی مانند پدر علامه مجلسی در شرح فقیه، ج ۷، ص ۳۴۹.

۱۸. رجال نجاشی، ص ۴۲۸، ح ۱۱۵۰.



و نیز ابن ندیم در شرح حال صاحب بن عبّاد نقل می کند:

له من الكتب كتاب الاعیاد و فضائل النیروز؛^{۱۹}

سامان دادن کتابی با نام: ما روی فی یوم النوروز.

و «الاعیاد و فضائل النیروز» به طور طبیعی باید بر مجموعه ای از روایات مشتمل باشد و گرنه بر نوشتن دو یا سه و یا چهار روایت کتاب اطلاق نمی شود. به هر حال، آنچه از روایات درباره نوروژ و فضائل آن آمده، برای ما روشن نیست.

احکام فقهی نوروژ

در فقه شیعه برای نوروژ آداب و احکام ذکر شده است، مانند: غُسل، نماز و روزه مستحبی. اساس و سند فقهی این احکام تا آنجا که تحقیقات نشان می دهد فقط روایت معلی بن خنیس از امام صادق (ع) است که نخستین بار شیخ طوسی آن را در حاشیه کتاب مصباح المتهدجد و درباره دعا و زیارات و مستحبات نوشته و در مختصر مصباح شیخ نقل شده است.

اصل روایت چنین است:

عن المعلی بن خنیس عن مولانا الصادق علیه السلام فی یوم
النیروز قال: اذا كان یوم النیروز فَاغْتَسِلْ وَ اَلْبَسْ اَنْظَفَ یَسَابِكِ
وَ تَطَيَّبْ بِاَطْيَبِ طَيِّبِكِ وَ تَكُونُ ذَلِكِ الْیَوْمِ صَائِمًا فَاِذَا صَلَّيْتَ
النَّوَافِلَ وَ الظُّهْرَ وَ العَصْرَ فَصَلِّ بَعْدَ ذَلِكِ اَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِيْ اَوَّلِ
كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي
الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ يَا اَيُّهَا الْكٰفِرُونَ وَ فِي الثَّلَاثَةِ
فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ وَ فِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ
الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ الْمُعَوَّذِيْنَ وَ تَسْجُدُ بَعْدَ فِرَاغِكِ فِي الرُّكَعَاتِ

۱۹. فهرست ابن ندیم، ص ۱۹۴، دارالمعرفة لبنان.

سجدة الشکر وتدعو فیها یُغفرُ لک ذنوبِ خمسين سنة. ۲۰

از معلی بن خنیس از مولای ما امام صادق (ع) درباره روز نوروز نقل شده است که امام فرمود: هرگاه روز نوروز شد غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش و خود را به خوش بوترین عطرها خوش بو کن و این روز را روزه باش و آن گاه که نوافل و نماز ظهر و عصر را خواندی، چهار رکعت نماز بخوان؛ در رکعت نخست سوره حمد و ده بار سوره قدر را و در رکعت دوم سوره حمد و ده بار سوره کافرون را و در رکعت سوم سوره حمد و ده بار سوره توحید را و در رکعت چهارم سوره حمد و ده بار سوره ناس و فلق را بخوان و پس از آن به سجده شکر رو و دعا کن که گناهان پنجاه سال بخشوده می شود.

بسیاری از فقها پس از شیخ طوسی در مصباح^{۲۰} به پیروی از او در بیشتر کتاب های فقهی شان به غسل و نماز و روزه نوروز در ردیف غسل ها، نمازها و روزه های مستحبی توجه کردند و در مقام اشاره به مستند آن نیز همین حدیث معلی بن خنیس را یادآور شدند.

ابن ادریس حلّی در سرائر، ابن سعید حلّی در الجامع للشرائع، علامه حلّی در قواعد الاحکام و منتهی المطلب، شهید اول در دروس و ذکری و لمعه، ابن فهد حلّی در المذهب البارع، شیخ بهائی در جامع عباسی و حبل المتین، علامه مجلسی در بحار الانوار و زاد المعاد، شیخ بحرانی در الحدائق، فاضل هندی در کشف اللثام، شیخ جعفر کبیر در کشف الغطاء، فاضل نراقی در مستند الشیعه، محمدحسن نجفی در جواهر الکلام، شیخ اعظم انصاری در

۲۰. مصباح المجتهد، ص ۷۹۰؛ بحار، ج ۵۹، ص ۱۰۱؛ وسائل، ج ۷، ص ۳۴۶، مؤسسه آل البیت؛ سرائر، ج ۱، ص ۳۱۵؛ المذهب ابن فهد حلّی، ج ۱، ص ۱۹۱؛ الحدائق، ج ۴، ص ۲۱۲.

۲۱. النجعه فی شرح اللمعة قسم الصلاة جزء دوم شیخ محمدتقی شوشتری.

باتوجه به بررسی های انجام گرفته مبنی بر نقل روایات در باب هدیه های نوروزی و نیز احکام فقهی نوروز مانند غسل و نماز و روزه مستحبی و هم چنین با عنایت به عبارات فقها در باب معاملات، قراردادهای و نیز مواعدها روشن شد که هیچ گونه روایت و یا عبارتی وجود ندارد که بتوان از آن به دلالت مطابقی یا ترضعی و یا التزامی، مذموم و یا ممنوع و ناپسند بودن نوروز را برگرفت، بلکه همواره اسلام آن را به نوعی تأیید کرده و پذیرفته است.

کتاب طهارت، حاج آقارضا همدانی در مصباح الفقیه، سید محمد کاظم یزدی در عروة الوثقی و حاشیه نریمان و شارحان عروه و بسیاری از فقیهان و مراجع تقلید عصر به این مسئله پرداخته اند.

از روزی که بحث اعمال و احکام روز نوروز در فقه شیعه مطرح شد و فتوا به استحباب آن مورد قبول مشهور فقها قرار گرفت، هیچ کس از محدثان و مجتهدان که رأی و نظرش قابل اعتنا باشد، بحث مخالفت با نوروز و یا شبیه نامشروعیت آن را مطرح نکرده است.

اگر سخنی دارند در این باره است که روایت معلی بن خنیس مرسل و ضعیف است و نمی تواند مستند حکم شرعی قرار گیرد و بعضی با استفاده از قاعده تسامح در ادله سنن پاسخ داده اند و بعضی از راه احتمال مطلوبیت و قصد رجاء پیش آمده اند. به هر حال، اگر بنا بود ماندگاری و برگزاری نوروز و مراسم و آئین های آنها به دلیل تعلق داشتنش به ایران باستان و زرتشتیان خلاف شریعت باشد و یا برگزاری مراسم آن زنده نگاه داشتن شعائر کفار، همانندی به مجوسی ها، ترویج و تقویت شرک و آتش پرستی و فساد و فحشا و تضعیف توحید و ارزش های اسلامی و انسانی به شمار آید، در طول تاریخ هزار ساله فقه با وجود این همه حساسیت و دغدغه های فقها باید به جای پرداختن به اشکال های سندی برای استحباب اعمال نوروز به اصل نامشروعیت این آیین می پرداختند.

جالب است وقتی صاحب حدائق با فتوا به استحباب غسل نوروز مخالفت



می‌کند و در مطالب ابن فهد حلی در بیان فضیلت نوروز اشکال می‌کند، احکام شرعی را با این‌گونه احتمال‌ها و مطالب استحسانی و ذوقی اثبات شدنی نمی‌شمارد.^{۲۲} و آن‌گاه هیچ اشاره‌ای به مخالفت با نوروز نمی‌کند.

گفتنی است ما نیز در صدد اثبات این روایت و مستحب دانستن غسل و نماز و روزه نوروز به استناد روایت معلی بن خنیس و یا به کمک قاعده تسامح در ادله سنن نیستیم و روایت را برای اثبات چنین حکمی ناتمام و ناتوان می‌دانیم و در نهایت انجام اعمال نوروز را به امید ثواب و به قصد رجاء روا می‌دانیم. لذا در جریان تعارض میان روایت ابن خنیس با روایت ابن شهر آشوب مبنی بر نفی مشروعیت نوروز هر دو را فاقد اعتبار می‌دانیم و تعارض میان لاحتجّت با لاحتجّت را بی معنا می‌دانیم و تلاش صاحب جواهر و شیخ انصاری^{۲۳} را مبنی بر تقویت و تقدیم روایت ابن خنیس بر روایت ابن شهر آشوب بدلالی چون شهرت روایت اول و احتمال تقیه و در روایت دوم ناتمام می‌دانیم.^{۲۴}

غرض توجه به این واقعیت است که در میان این همه فقهای دقیق از ابن ادریس صاحب سرائر و علامه و شهید اول و دوم تا به امروز هیچ فقیه فرزانه‌ای شبیه تشبه به کفار، تعظیم شعایر کفار و یا خلاف شریعت بودن نوروز را در رد آن مورد استدلال قرار نداده است و اگر بزرگانی از فقهای برجسته با تقدس مثال زدنی مانند ابن فهد حلی یا ارائه بحث مفصلی درباره تعیین روز نوروز تصریح می‌کند که «یوم النیروز یوم جلیل القدر»^{۲۵} هیچ

۲۲. حدائق الناضرة، ج ۴، ص ۲۱۲.

۲۳. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰؛ طهارت شیخ انصاری، ص ۳۲۸.

۲۴. با توجه به اینکه روایت ابن خنیس مشتمل بر بیان یک حکم مستحب است می‌تواند منشأ برای قاعده تسامح و یا احتمال مطلوبیت و قصد رجاء باشد اما روایت ابن شهر آشوب چون مشتمل بر نامشروع بودن نوروز است نمی‌تواند مشمول قاعده تسامح باشد.

۲۵. مهذب البارع، ج ۱، ص ۱۹۱.

فقهی او را احیاگر سنت مشرکان که در تضاد با اهداف و مقاصد شریعت است و یا مخالفت با دلیل و مدرکی است، انتقاد نمی‌کند. در حالی که وقتی به بحث نماز و روزه در روز عاشورا می‌رسند، به دلیل آنکه بنی امیه اقدام به ساخت اخبار دروغ مبنی بر فضایل روز عاشورا نمودند و برای آن فضائلی چون نماز، روزه و صله رحم و... جعل کردند، تمام آن اخبار را ساختگی قلمداد نمودند و روزه آن روز را مورد اشکال قرار دادند. اگر قرار بود در اعمال نوروز شبهه و شائبه تشبه به دشمن و یا احتمال تقویت جبهه مخالف و مانند آن باشد، به یقین ابراز مخالفت می‌کردند.

اهل سنت و آیین های نوروز

در منابع تاریخی، روایی و فقهی اهل سنت به مناسبت‌هایی بحث از نوروز و احکام و آیین‌های آن به میان آمده است که در بحث روایات و نوروز به برخی منابع اشاره شد. در اینجا بعضی منابع تاریخی و فقهی افزوده می‌شود.

در تاریخ طبری و نیز تاریخ یعقوبی مانند تاریخ بغداد و خطط مقریزی در بیان حوادث تاریخی و توجه حاکمان اموی^{۲۶} و عباسی^{۲۷} به عید نوروز فرس و هدایا و آیین‌های نوروزی اشاره شده است. از جمله آمده است که معاویه در دوران خلافتش دستور به جمع‌آوری هدایای نوروزی داد.

و عمر بن عبدالعزیز برخلاف معاویه از جمع‌آوری هدایای نوروزی جلوگیری می‌کرد و در کتاب‌های فقهی نماز و روزه در روز عید نوروز مکروه شناخته شده است.

ابن قدامه می‌نویسد:

خصوص روز نوروز و مهرجان روزه گرفتن مکروه است؛

۲۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۶، رک: تاریخ طبری، ج ۶، ص ۶۵۹ که مربوط می‌شود به حوادث سال ۱۰۱.

۲۷. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۱۸، حوادث سال ۲۴۵.

زیرا که کفار این دو روز را بزرگ و گرامی می‌دارند. از این رو خصوص این دو روز را روزه گرفتن همراهی با کفار است و هم چنین در روز شنبه و هر روز را که کفار بزرگ می‌شمرند و عیدی می‌گیرند، روزه گرفتن کراهت دارد.^{۲۸}

و کاشانی می‌نویسد:

روزه روز شنبه به دلیل تشبه به یهود و روز نوروز و مهرجان به دلیل تشبه به مجوس کراهت دارد.^{۲۹}

گفتنی است بعضی از اهل سنت شیعه را مجوسی می‌خوانند و با توجه به اینکه استحباب غسل، نماز و روزه نوروز به استناد روایت معلی بن خنیس فقط در کتاب‌های روایی و فقهی شیعه مطرح شده، محتمل است مقصود آنها از کراهت روزه نوروز به جهت تشبه به مجوسی‌ها شیعه باشد، چنان‌که در مواردی مانند مسأله خواندن بسم الله الرحمن الرحیم و یا بلند خواندن آن در نماز و یا انگشتر به دست راست کردن و... برای اینکه تشبه به شیعه (مجوس) پیدا نکنند، به عکس شیعه عمل می‌کنند، هرچند ممکن است قبول داشته باشند که در واقع حق با شیعه است.^{۳۰}

نکته گفتنی دیگر این است که گفته‌اند در مراسم مجوسی‌ها روزه نیست و

۲۸. مغنی ابن‌قدامة، ج ۳، ص ۹۹؛ در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه نیز همین فتوی برگزیده شده است. ج ۱، ص ۵۵۸-۵۵۹.

۲۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۷۹.

۳۰. نویسنده سنی وهابی به نام عبدالله محمد غریب کتابی نوشته بنام: جاء دور المجوس - در آن انقلاب اسلامی و امام را مجوسی خوانده‌اند نه اسلامی عجمی شمرده نه عربی و ایرانی کسروی دانسته‌اند. محمدی، ص ۳۵۷ به نقل از کتاب کذبوا علی الشیعه، ص ۲۱۰ و نیز مراجعه شود به الغدیر، ج ۱۱، ص ۵۳. علامه امینی در الغدیر ج ۱۰، ص ۲۱۰-۲۱۱ و سید عبدالرزاق مقرر در کتاب مقتل الحسین، ص ۳۶۹ به مواردی از مخالفت با شیعه اشاره کرده است که چون این اعمال را شعار شیعه و تشبه به آنها می‌دانند خلاف سنت معرفی کرده‌اند.

آنها روزه گرفتن را گناه می‌دانند. ۳۱

این نکته نیز باید افزوده شود که همانندی و تشبیه به چیزی، کاری، قصدی و ارادی است و بدیهی است که هیچ مسلمانی به قصد تشبیه به مجوسی‌ها روزه نمی‌گیرد، بلکه به استناد روایت ابن‌خنیس، قاعده تسامح، قصد رجاء و به فتوای مرجع تقلید به قصد تقرب به خدا این کار را می‌کند.

بنابراین، تشبیه به مجوس اگر مقصود از همانندی به مجوس همانندی به کفار و زرتشتیها باشد، سنت روزه نوروز بی‌مورد و بی‌معنا است و حکم به کراهت روزه در نوروز از باب تشبیه به مجوس در هر حال بی‌اساس و مردود است.

باتوجه به بررسی‌های انجام گرفته مبنی بر نقل روایات در باب هدیه‌های نوروزی و نیز احکام فقهی نوروز مانند غسل و نماز و روزه مستحبی و هم‌چنین با عنایت به عبارات فقها در باب معاملات، قراردادهای و نیز مواعدها روشن شد که هیچ‌گونه روایت و یا عبارتی وجود ندارد که بتوان از آن به دلالت مطابقی یا تضمینی و یا التزامی، مذموم و یا ممنوع و ناپسند بودن نوروز را برگرفت، بلکه همواره اسلام آن را به نوعی تأیید کرده و پذیرفته است.

تعامل اسلام با دیگر فرهنگ و سنت‌ها

تعیین موضع اسلام و نحوه برخورد دین با عادات‌ها، آداب، رسوم و فرهنگ ملت‌های مختلف جهان از موضوعات مهم اجتماعی و فرهنگی است که در روزگار ما تحقیقی جدی و همه‌جانبه می‌طلبد.

آیا اسلام اهل تعامل با ملت‌ها و تبادل فرهنگ‌ها و طرفدار سیاست درهای باز و هم‌گرایی و داد و ستدهای علمی، فکری، فرهنگی، هنری و صنعتی با ملت‌ها و تمدن‌هاست؟ یا آنکه طرفدار سیاست مرزها و درهای بسته است و با آنچه رنگ و نشان غیرخودی دارد و به ملت‌های غیراسلامی متعلق است، مخالفت می‌کند؟

از آنجایی که دین اسلام به منزله آیینی آسمانی و مکتبی الهی با فطرت و خواسته‌های واقعی و جدی انسان در همه ابعاد منطبق است و تمام برنامه و رسالتش فراهم‌سازی زمینه رشد و تعالی و سعادت و بالندگی همه سویه انسان و جوامع انسانی است، قهراً باز و بسته بودن مرزهای آن بر روی واردات و صادرات در زمینه‌های علمی، فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و صنعتی بدون لحاظ خصوصیات جغرافیایی، نژادی، قومی و مذهبی و بدون حساسیت به سنت و یا مدرنیته و براساس مصالح و مفاسد و آثار و پبی آمده‌ها تنظیم و استوار می‌شود. هر دانش، فرهنگ و برنامه و ابزار و سازکاری که در راستای رسالت الهی و انسانی جامعه باشد و استفاده از آن در تضاد با مقاصد شریعت نباشد و زبان و خطری را برای هویت دینی، استقلال فرهنگی در پبی نداشته باشد و دلیل خاص شرعی بر منع آن وجود نداشته باشد، مورد قبول و تأیید اسلام است و یا دست کم اسلام با آن مخالفتی ندارد.

عناصر سازنده و سازگار با نیازهای بشر مانند طب، هندسه، هیئت، نجوم، فلسفه، صنعت، تکنولوژی، آداب و رسوم جالب و آموزنده که متعلق به نوع بشر است و نژاد، زبان، آب و خاک و حتی دین و مذهب در آن لحاظ نشده، یا فرض آنکه دلیل معتبر شرعی بر مخالفت آن نباشد و نیز عناوین ثانویه مانند تشبه و خودباختگی و حقارت در برابر اجانب و دشمنان، مورد تأیید اسلام است؛ خواه میراث و یادگار روم، یونان و ایران باستان باشد و یا از فرآورده‌ها و تولیدات تمدن جدید غرب و اروپا به شمار آید.

اسلام نه سنت شکن و تجددزده است و نه متحجر و مخالف تجدد و تمدن؛ دین عقل، منطق، علم، ترقی، تقدم و تمدن است و هرچه را در راستای تعالی و ترقی، سعادت و سلامت انسان و جامعه انسانی باشد، با سماحت و سهولت به رسمیت می‌شناسد و با آنچه جمود، جهل، تحجر، شرک، بت‌پرستی، خرافه، انحراف، فساد و منکرات است، با کمال صراحت و به دور از هرگونه ملاحظه و مخفی‌کاری مخالف است.

همین عقلانیت و منطق محوری و فطری بودن دین و احکام دینی و سماحت و سهولت و حکمت حاکم بر احکام شریعت، علی رغم همه موانع و کارشکنی های متجاوزان به حقوق و ناموس و جان ملت ها علیه اسلام، سبب شده که اسلام در کوتاه ترین زمان با کمترین امکانات در ژرفای جان میلیون ها انسان برخوردار از فطرت سالم انسانی نفوذ و تا عمق سرزمین های تحت سلطه زورگویان پیش رود و شالوده تمدنی نوین و فرهنگی عظیم را در سطح جهان بنا نهد و بارز هرگونه تنگ نظری و جمود و جهالت و درهم شکستن حصارهای موهوم و غیرمنطقی راه تحصیل علم و دانش و هنر و دریافت هنر و تکنیک و فن آوری را از هرکجا و از هرکس بر روی مسلمان باز و هموار سازد. آن گاه با ایجاد روح خودباوری و استقلال و حریت و استواری بر مواضع اصولی و شایسته ضمن احترام به آداب و عادت ها و فرهنگ های پسندیده اقوام و ملت ها به منزله اموری انسانی و منطقی به دور از هرگونه التقاط، انحراف و خودکم بینی و خودباختگی فرهنگی، قوت های علمی، فکری فرهنگی و اجتماعی دیگر ملت ها را مورد توجه قرار داده و در خدمت این انسانیت به کار گرفته است.

تأثیرگذاری شگرف اسلام گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مخالفت نکردن اسلام با آن دسته از آداب، سنن و فرهنگ های پسندیده پذیرفته شده در میان ملت ها و حساسیت نشان ندادن به آنچه بی زیان و ضرر است، مانند زبان، خط، گویش و نوع پوشش و یا تأیید و پذیرش آنها به هیچ وجه به معنای تأثیرپذیری از فرهنگ ها و موضع انفعالی نیست، بلکه این گونه موضع گیری های واقع بینانه مبتنی بر خرد و منطق و استوار بر سماحت و سهولت و دوری از تعصب های بی جا و بی مورد دلیل قوت و باعث سرعت و گسترش روزافزون اسلام بوده و اسلام را دینی جاودانه، جامع، جهانی، پرجاذبه و ماندنی ساخته و عالی ترین نوع تأثیرگذاری و فرهنگ سازی را در

سطح جهانی داشته است. تنگ‌نظری، تعصبات خشک و بی‌مورد، منطقه‌ای و قومی فکر کردن سیاست بسته و نفی تعامل و ارتباط با دیگر ملت‌ها به دور از ساحت قدس اسلام است.

آیات قرآنی، سیرت و سنت پیامبر اسلام و زندگی پیشوایان دین گواه این حقیقت است.

امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر با عنوان والی مصر، سرزمینی تاریخی و کهن که تمدن‌ها، حکومت‌ها و فرهنگ‌های بسیار دیده، درباره نحوه برخورد با آداب و رسوم رایج در میان مردم آن دیار چنین نوشته است:

وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمَلٌ بِهَا صَدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاجْتَمَعَتْ
بِهَا الْأَلْفَةُ وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ وَلَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّةَ تَضَرُّ بِشَيْءٍ مِنْ
مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ فَيَكُونَ الْإِجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا وَالْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا
نَقَضْتَ مِنْهَا؛^{۳۲}

قانون پسندیده‌ای را که مورد عمل پیشینیان بوده و هم بستگی مردم را در پی داشته و امور اجتماعی مردم بر محور آن سامان یافته است، نقض نکن و قانونی را که به سنت‌های پسندیده گذشتگان زیان برساند، ایجاد نکن که در این صورت پاداش و ستایش مردم برای بنیان‌گذاران آن سنت‌ها و بار گناه سنت شکنی برای تو خواهد بود.

شارحان نهج البلاغه عبارت «صدور هذه الأمة» را مختلف معنا کرده‌اند و بعضی «این امت» را به امت اسلام شرح کرده‌اند و لکن با توجه به سابقه تاریخی و فرهنگی مصر و دقت در سخنان حضرت امیر (ع) به خوبی استفاده می‌شود که مقصود ملت با سابقه مصر از قبل از اسلام است.^{۳۳}

۳۲. نهج البلاغه صبحی صالح نامه، ۵۳؛ فیض الاسلام، ص ۱۰۰۱، فراز ۲۳.

۳۳. رک: شرح نهج البلاغه، خوبی، ج ۲۰، ص ۳۱۸؛ میثم بحرانی، ج ۵، ص ۱۴۹؛ الراعی والرعیة، توفیق الفکیکی، ص ۱۷۸؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۴۸.

در بخش پایانی عهدنامه بر توجه به سنت های پسندیده و بهره گیری بهینه از آن تأکید شده است :

والواجب عليك أن تتذكر ما مضى لمن تقدمك من حكومة
عادلة أوسنة فاضلة أو أثر عن نبينا صلى الله عليه وآله وسلم أو
فريضة في كتاب الله تعالى،^{۳۴}

بر تو لازم است همواره حکومت های دادگستر پیشین،
سنت های ارزش مند، آثار به جای مانده از پیامبر اسلام و
واجباتی را که در کتاب خداست، به یاد داشته باشی.

در روایتی رسول خدا(ص) به امیر مؤمنان(ع) فرمود: «یا علی! عبدالمطلب در
عصر جاهلیت پنج سنت را پایه گذاری کرد که در اسلام مورد تأیید قرار گرفت:

۱. ازدواج فرزندان را با زنان پدرانشان حرام کرد؛
 ۲. از گنجی که یافته بود، یک پنجم (خمس) آن را صدقه داد؛
 ۳. پس از حضر چاه زمزم آن را «سقایة الحاج» نام گذاری کرد؛
 ۴. دیه و غرامت کشتن یک انسان را صد شتر قرار داد؛
 ۵. طواف به دور خانه خدا را هفت (شوط) قرار داد.
- و همه این سنت های پسندیده که توسط عبدالمطلب پایه گذاری شده، در
اسلام به رسمیت شناخته شده و مورد تأیید و تأکید قرار گرفت.^{۳۵}
شاید با تأملی دقیق بتوان از این روایت نیز در بحث مورد نظر سود جست.^{۳۶}

۳۴. نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳؛ فیض الاسلام، ص ۱۰۲۳.

۳۵. خصال شیخ صدوق، ص ۳۱۲، چاپ جامعه مدرسین قم؛ بحار الانوار، ج ۱۵،
ص ۱۲۷ و ۱۲۹.

۳۶. علامه مجلسی در شرح حدیث بیانی دارند: شاید بنیان گذاری این سنت ها توسط
عبدالمطلب با الهام الهی بوده است و اسلام این سنت ها را نسخ و زائل نکرد و
مورد تأیید و قبول قرار داد، ج ۱۵، ص ۱۲۷ و مقصود ایشان از الهام وحی و
فرمان آسمانی نیست بلکه همان عقل و خرد و منطق و فطرت انسانی است.

آری! اسلام با سنت‌های جاهلیت مخالف است که موجب گمراهی، شرک، و رواج جهل و خرافات باشد، نه آنکه با هرچه در عصر قبل از اسلام بوده است. باید این گونه برخوردهای واقع‌بینانه و استوار بر سماحت و سهولت را به منزله‌ی بحثی پایه و اصل کلی از مختصات و جامعیت اسلام از افتخارات این آیین کامل الهی به حساب آورد.

شهید مطهری در این باره نوشته است:

از جامعیت اسلام است که نسبت به بسیاری از امور دستور نداشته باشد و مردم را آزاد بگذارد. یک سلسله آداب و رسوم میان مردم هست که اگر آنها را انسان از طریق مثبت انجام بدهد، نه جایی خراب می‌شود و نه جایی آباد و اگر ترک هم بکند همین طور.^{۳۷}

یکی از محققان معاصر می‌نویسد:

ضمن اینکه حوزه وسیع تحت حکومت و شریعت اسلامی اداره می‌شود، سنت‌های اداری هر محل تا آنجا که با شریعت سازگاری داشت، حفظ شد و ادامه یافت؛ در شام و مصر سنت رومی و در عراق و فارس سنت ساسانی.^{۳۸} فرهنگ و آداب و رسوم خاص هر قومی تا آنجا که در تضاد با روح اسلام، توحید، یگانگی و وحدت نباشد، ملحوظ و محترم است.^{۳۹}

اسلام هرگز جریان فرهنگ انسانی را سد نکرده و حتی آن را به پیش رانده است. اسلام درباره امور عادی، عرفی، اجتماعی، فرهنگی و چگونگی

۳۷. اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۳۳-۱۵۸؛ خدمات متقابل اسلام و ایران،

ص ۲۴-۲۵، جزوه هجرت و جهاد، ص ۳۴-۳۵.

۳۸. کارنامه اسلام دکتر عبدالحسین زرین کوب، ص ۱۴۳.

۳۹. کارنامه اسلام، ص ۱۶۶ و ۲۹-۳۰.

موضوع گیری های واقع بینانه مبتنی بر خرد و منطق و امتوار بر سماحت و سهولت و دوری از تعصب های بی جا و بی مورد دلیل قوت و باعث سرعت و گسترش روزافزون اسلام بوده و اسلام را دینی جاودانه، جامع، جهانی، پرجاذبه و ماندنی ساخته و عالی ترین نوع تأثیر گذاری و فرهنگ سازی را در سطح جهانی داشته است. تنگ نظری، تعصبات خشک و بی مورد، منطقه ای و قومی فکر کردن سیاست بسته و نفی تعامل و ارتباط با دیگر ملت ها به دور از سماحت قدس اسلام است.

پوشش، گویش و مانند آن به طور غالب مردم را آزاد گذاشته و در جزئیات دخالت نکرده است. البته ارشاد و راهنمایی برای بهبود و بهینه شدن کارها و کلیات و قواعدی دارد که با منطق و خرد و فطرت پاک انسانی منطبق است و آیین و آداب و عادت ها و رسوم در هر زمان و زمینی باید با همان مقیاس ها سنجیده شود. هر چه به انحراف بشر از مسیر صحیح زندگی بینجامد و با هدف آفرینش و کمال انسانی در تضاد باشد، مانند بت پرستی، جهل، خرافه، فساد، فحشا و منکرات از نظر اسلام ممنوع و نامشروع است.

با روشن شدن موضع اسلام در برخورد با فرهنگ و سنت های رایج در میان اقوام مختلف جهان چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام، سنت دیرپای نوروزی را به منزله آیینی باستانی و ملی در ایران باید بررسی کرد و نظر اسلام را درباره آن جویید؛ آیا آیین و جشن های نوروز همراه با جنبش طبیعت، خانه تکانی، نوپوشی، اظهار نشاط و شادمانی، استفاده از بوی خوش، پخش نقل و شیرینی، دید و بازدیدها، دادن هدایا، فراموش کردن قهر و کینه ها، برقراری صلح و آشتی با دوستان، عفو و بخشودگی زندانیان و... ترویج و تقویت بی دینی، شرکت و بت پرستی و در تضاد با ارزش های انسانی و رونق جهل و خرافات است و یا آنکه دلیلی معتبر از کتاب و سنت بر مخالفت با نوروز و نامشروعیت آن در دست است و یا تشریح و افتراء و دخالت و تصرف در حوزه دین و احکام الهی است؟

مخالفت با نوروز صرفاً به دلیل خدمت تاریخی و متعلق به ایران باستان و

عهد زرتشتیان همانند مخالفت با زبان فارسی و مخالفت با طب و فلسفه به دلیل تعلق آن به ایران و زردشتیان^{۴۰} روم و یونان و مخالفت با صنعت و تکنولوژی به دلیل تعلق آن به غرب و اروپا و... مادامی که دلیل معتبری در دست نباشد، غیرمنطقی و نامعقول و بد جلوه دادن حقیقت دین در دید جهانیان و خلاف مصالح شریعت و امور اسلامی است.

بنابراین، در صورتی که دلیل معتبری بر مخالفت شریعت با نوروز در دست نباشد و بر این آیین باستانی و ملی آثاری چون بدعت، تشریح، تشبیه به دشمن، شرک، فساد و تضاد با ارزش‌ها مترتب نگردد، مقتضای اصول و قواعد کلی اسلامی و موازین فقهی و اصولی بی‌اشکال بودن برگزاری مراسم نوروزی است و به صرف اینکه سنتی کهن و متعلق به ایران باستان و عهد زرتشتیان است، نمی‌توان با نام دین به مخالفت با آن برخاست و آن را نامشروع اعلام کرد.

دلایل مخالفان

برخی در مخالفت با مراسم نوروز و نامشروع بودن آن به وجوهی استدلال کرده‌اند که به طور فشرده مهم‌ترین آنها را نقل و نقد می‌کنیم:^{۴۱}

۱. اسلام جز عید فطر، قربان و جمعه عید دیگری ندارد. بنابراین، عید نوروز چون مورد تأکید اسلام نیست، بدعت و خلاف شرع است.

نقد: اولاً بنا نیست کسی عید نوروز را جزء اعیاد اسلامی و یا مذهبی بشمرد، بلکه آن را با عنوان عید ملی مطرح می‌کنند و ثانیاً سخن از تأیید نیست، بلکه بحث در این است که آیا مخالفتی با آن شده است یا نه و برحکم به خلاف شرع و بدعت بودن نوروز احراز مخالفت و دلیل لازم است.

۲. مشروعیت نوروز نیاز به اجازه شرع مقدس دارد و بدون آن ممنوع و نامشروع است.

۴۰. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۱۱.

۴۱. کتاب نوروز تألیف خالص و روضات الجنات خوانساری، ج ۱، ص ۲۹.

نقد: اگر مقصود آن است که انجام این برنامه‌ها به نام این و با انتساب به اسلام باشد، ممنوع است. اما اگر مقصود آیین‌های نوروزی به عنوان بومی و ملی است، از قبیل خانه‌تکانی، نوپوشی، دید و بازدید، دادن هدیه، صلح و آشتی و اظهار سرور و شادمانی، بدیهی است که این گونه امور جزء عبادات محسوب نمی‌شود تا توقیفی باشند و نیازمند اجازه شرع مقدّس باشند.

اگر مقصود اعمالی مانند غسل، نماز و روزه است، البته اینها توقیفی و نیازمند به اجازه و دلیل شرعی است و کسانی که به استحباب این اعمال فتوا داده‌اند، به روایت معلی بن خنیس به ضمیمه قاعده تسامح در ادله سنن و باب رجاء مطلوبیت و قصد رجاء استناد کرده‌اند.

۳. ابن شهر آشوب از امام کاظم (ع) روایت کرده است که امام از پذیرفتن تقاضای منصور دوانیقی مبنی بر نشستن امام جهت شادباش گویی عید نوروز و پذیرفتن هدیه‌های نوروزی امتناع ورزید و فرمود:

أَتَى قَدْ فَلْتَشْتِ الْأَخْبَارَ عَنِ جَدِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ فَلَمْ أَجِدْ لِهَذَا الْعِيدِ خَيْرًا؛

من میان اخباری که از جدم رسول خدا رسیده، جست‌وجو کردم و برای این عید خبری نیافتم.

و این عید سنتی از فرس است که اسلام آن را محو کرده و پناه به خدا می‌برم که آنچه را اسلام از بین برده است من آن را زنده کنم. ۴۲

نقد: اولاً این روایت از جهت سندی فاقد اعتبار و اعتماد است، ثانیاً با روایت ابن خنیس که از نیمه دوم قرن پنجم همواره مورد فتوای مشهور فقها بوده، مخالف است و اگر بنای تعارض باشد، روایت ابن خنیس بر آن مقدم است، ثالثاً از جهت متن و عبارت چندان شباهت و سنخیتی با روایات ندارد و رابعاً از جهت دلالت دچار اشکال است؛ نیافتن خبری برای این عید یا به

معنای آن است که درباره اصل آن و یا درباره تأیید آن خبری پیدا نشده است؟ هر یک از دو احتمال که مقصود باشد، دلیل بر نامشروعیت آن نمی شود، بلکه باید خبری بر مخالفت با آن یافت تا به نامشروعیت حکم نشود. پس معنای روایت این است که بر اصل این عید خبری یافت نشده، نه بر مخالفت و نه بر تأیید آن. با فرض اینکه امام در صدد اثبات نامشروعیت آن به استناد اخبار جدش رسول خداست، نه آنکه خود آن را ممنوع و خلاف شرع اعلام کند، پس جمله «وانه سنّة الفرس ومحاهای الاسلام» چه معنا می دهد؟ اسلام کجا، چگونه و به استناد کدام دلیل آن را محو ساخته است تا زنده کردن آن مخالف با اسلام باشد؟

اگر از همه اشکالات یاد شده صرف نظر شود و سند و متن و دلالت آن پذیرفته شود، برخی بزرگان مانند علامه مجلسی، صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری باتوجه به روایت ابن خنیس «انه یوم من ایامنا حفظه الفُرس؛ نوروز روزی از روزهای ماست که ایرانیان آن را حفظ کرده اند».^{۴۳}

روایت ابن شهر آشوب را حمل بر تقیه کرده اند که روزگار امام کاظم (ع) اوج خفقان و تقیه بوده است. به هر حال، از روایت مناقب ممنوعیت و نامشروعیت عید نوروز استفاده نمی شود و در نتیجه، اگر دلیل خاص دیگری برخلاف یا وفاق نباشد، نوبت به اجرای قواعد و اصول می رسد که مقتضای حکم عقل و شرع اباحه و جواز است.

۴. سند مشروعیت عید نوروز و آیین های نوروزی روایت معلی بن خنیس است که از جهت سندی مرسل و ضعیف است و احتمال ساختگی بودن آن

۴۳. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰، طهارت شیخ، ص ۳۲۸، چاپ سنگی.

بانظر به اینکه در حدیث مرسل ابن خنیس و دیگر احادیث مرسل. نوروز روز ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و روز ظهور امام زمان علیه السلام شناخته شده نظر فقیهان بزرگی مانند صاحب جواهر و شیخ انصاری مبنی بر حمل روایت مناقب بر تقیه با فرض درستی سند هر دو سخن دقیق و عالمانه ای است و عمل بر تقیه را در کلام این بزرگان خلاف و تقیه دانستن ناشی از بی دقتی است.

توسط یهود منتفی نیست؟

نقد: گذشته از این که ثابت نیست یهود چه انگیزه سیاسی، فرهنگی و یا منفعت اقتصادی از ساختن این حدیث در ترویج و تعظیم عید نوروز داشته‌اند و گذشته از اینکه در طول تاریخ و عمر هزار ساله این حدیث از زمان شیخ طوسی تا به امروز کسی از محدثان و فقیهان و ناقلان حدیث چنان احتمال نداده و تنها به ضعیف شمردن سند آن اشاره کرده‌اند، کسانی باید این احتمال را جواب‌گو باشند که بخواهند شرافت و فضیلت نوروز را به استناد این روایت ثابت کنند. لکن ما نیازی به جواب از این احتمال نمی‌بینیم؛ زیرا معتقدیم که هیچ‌گونه دلیل قابل اعتمادی بر نفی مشروعیت نوروز و مقتضای قواعد و اصول وجود ندارد. افزون بر آنکه شواهدی بر جواز برگزاری مراسم نوروزی دلالت دارند و مدعیان نامشروع بودن نوروز باید دلیل پذیرفته‌ای ارائه دهند که اسلام با نوروز مخالفت ورزیده است.

بنابراین، چون دلیل قابل اعتمادی بر مخالفت نیست، حکم به نامشروعیت سخنی گزارف می‌نماید و مقتضای اصول و قواعد عقلی و شرعی بی‌اشکال بودن مراسم نوروزی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی